

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

979vv



دانشگاه پیام نور
 دانشگاه پیام نور
 واحد تهران

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی پخش سوابق	
شماره ثبت	B
شماره دفتر	۷۹
شماره و تاریخ	۸۶/۵/۳

عنوان :

فرایند شناخت (اتحاد عاقل و معقول) از دیدگاه ابن سینا و ملا صدرا

کتابخانه مرکزی
 دانشگاه پیام نور
 واحد تهران

استاد راهنما:
 دکتر بیوک علیزاده

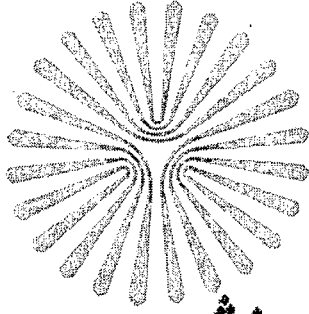
۱۳۸۷ / ۲ / ۱۱۵۱

استاد مشاور:
 دکتر سید محمود یوسف ثانی

پژوهشگر:
 محمد علی کرامتی مقدم

بهار ۱۳۸۷

۹۶۹۷۷



دانشگاه پیام نور

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان:

بررسی تطبیقی فرآیند شناخت اتحاد اقل و معقول از دیدگاه

ابن سینا و ملا صدرا

نمره: (نوزدهم) ۱۹/۱ درجه: عالی

تاریخ دفاع ۸۶/۰۴/۷

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبہ علمی	امضاء
۱- آقای دکتر بیوک علیزاده	استاد راهنما	استاد دایرہ ۱۸	
۲- آقای دکتر سید محمود دیوسف ثانی	استاد مشاور		
۳- آقای دکتر عباس حاجیها	استاد داور استه دہر		
۴- آقای دکتر محمدی	نماینده گروه		

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده:
۲	مروری بر بخش‌های پایان نامه .
۳	مقدمه بر کل پایان نامه
۵	بیان انتخاب نظریه اتحاد عاقل و معقول
۱۰	تعیین محل نزاع
۱۱	الف) طبیعت و ماهیت علم
۱۲	ب) علم حضوری و علم حصولی
۱۳	بیان مسئله
۱۴	سوالات اصلی تحقیق
۱۵	روش تحقیق
۱۶	تقدیر و تشکر
	<u>بخش اول: کلیات</u>
۱۸	فصل اول: ایضاح واژگان محوری پایان نامه
۱۸	واژگان محوری پایان نامه عبارتند از:
۱۸	۱ طبیعت و ماهیت علم
صفحه	عنوان

۱۹	ب) علم حضوری و علم حصولی
۲۰	۲ اتحاد و اقسام آن میان دو شیء و تصور آن
۲۲	۳ اتحاد عرض با جوهر
۲۳	اتحاد صورت با ماده
۲۳	اتحاد دو معلولی که از علت مفیضه واحدی صادر می شوند
۲۳	اتحاد چند ماده در سایه صورت واحد
۲۴	اتحاد علت هستی بخش با معلول خود که عین ربط و وابستگی به آنست
۲۵	۴ مراد از عاقل در اتحاد «عاقل» و «معقول»
۲۵	۵ مراد از معقول در اتحاد «عاقل» و «معقول»
۲۶	عوامل مؤثر در فرایند شناخت
۲۶	معلوم بالذات و معلوم بالعرض
۲۸	فاعل شناسایی و هویت آن
۳۰	رابطه فاعل شناسایی با معلوم بالذات .
۳۱	رابطه معلوم بالذات با معلوم بالعرض .
۳۲	تاریخچه نظریه اتحاد عاقل و معقول
۳۲	۱ افلاطون .
۳۶	۲ ارسطو
۳۷	۳ افلوطین

۳۹ پیشینه اتحاد عاقل و معقول در دوره اسلامی

۳۹ ۱ کندی

۴۰ ۲ فارابی

۴۱ ۳ ابوالحسن عامری

۴۲ ۴ موضع ابن سینا و فیلسوفان بعد از او

۴۳ پیشینه اتحاد عاقل و معقول در آثار عارفان مسلمان

بخش دوم:

مبانی فلسفی ابن سینا و تغایر آن با نظریه اتحاد عاقل و معقول

۴۹ مقدمه

۴۹ مبانی فلسفی ابن سینا و تغایر آن با نظریه اتحاد عاقل و معقول

۴۹ ۱ تباین ذاتی موجودات

۵۱ ۲ ابن سینا قائل به اصل تشکیک در حقیقت وجود نیست:

۵۲ ۳ از دیدگاه ابن سینا و فلاسفه مشاء ترکیب ماده و صورت انضمامی می باشد:

۵۹ ۴ ابن سینا قائل به حرکت در جوهر نیست:

۶۱ نقد و بررسی کلام شیخ الرئیس

۶۲ اشکال دوم شیخ بر حرکت جوهری

۶۳ نقد و بررسی دلیل دوم ابن سینا بر انکار حرکت جوهری ملاصدرا

۶۳ یک پاسخ نقضی

صفحه عنوان

۶۴	یک پاسخ حلی
۷۱	خلاصه مطالب
	۶ پیدایش روحانی نفس و چگونگی ارتباط آن با بدن در مکتب ابن سینا با نظریه استاد عاقل و معقول در تضاد است:
۷۲	
۷۸	۶ انکار ابن سینا بر نظریه اتحاد نفس با عقل فعال
۸۲	۷ برخلاف مکتب ملاصدرا که میان نفس و قوای آن هماهنگی می‌باشد:
۸۴	۸ در فلسفه ملاصدرا «ملاک علم حضور است و ملاحظه حضور تجرد»
۸۷	۹ قیام صدوری صورتهای علمی به نفس (فاعلیت نفس در فرایند ادراک):
۸۹	نتیجه‌گیری بخش دوم:

بخش سوم:

نقد و بررسی دلایل ابن سینا و ملاصدرا پیرامون نظریه اتحاد عاقل و معقول

۹۱	مقدمه
۹۱	فصل اول
۹۱	بیان ابن سینا پیرامون اتحاد عاقل به معقول
۹۳	نتیجه قاعده
۹۴	ایضاح مطلب
۹۷	نقد و بررسی کلام شیخ
۹۹	نقدی دیگر بر کلام شیخ
صفحه	عنوان

۹۹	دلایل ابن سینا بر انکار اتحاد عاقل و معقول
۱۰۰	دلیل خاص ابن سینا در نفی اتحاد عاقل و معقول
۱۰۱	نقد و بررسی کلام شیخ
۱۰۲	دلیل عام ابن سینا بر نفی اتحاد عاقل و معقول
۱۰۲	نقد و بررسی
۱۰۷	فصل دوم: دلایل ملاصدرا بر اتحاد عاقل و معقول
۱۰۸	اصول برهان تضایف در اتحاد عاقل و معقول
۱۱۰	برهان تضایف بر اتحاد عاقل و معقول
۱۱۲	مقدمات برهان تضایف
۱۱۴	اتحاد حاس و محسوس
۱۱۶	اعتراض حاجی سبزواری بر برهان تضایف
۱۱۷	نقد و بررسی انتقاد حاجی
۱۱۹	خلاصه انتقاد حاجی و پاسخ به آن
۱۲۱	اعتراف حاجی سبزواری بر صحت برهان تضایف
۱۲۲	شبهه حائری یزدی در اتحاد عاقل و معقول
۱۲۳	پاسخ به شبهه حائری یزدی
۱۲۴	خلاصه و نتیجه برهان تضایف
۱۲۵	«اتحاد عاقل و معقول از طریق اتحاد ماده و صورت»

-
- ۱۲۸ «نقد و بررسی کلام حاجی سبزواری»
- ۱۲۸ «خلاصه و نتیجه‌ای که از برهان اتحاد ماده و صورت به دست می‌آید»
- ۱۲۹ «اتحاد عاقل به معقول از طریق علت و معلول و بالعکس»
- ۱۳۰ «اتحاد عاقل به معقول از طریق علم علت به معلول»
- ۱۳۳ «اتحاد عاقل و معقول از طریق علم معلول به علت»
- «خلاصه و نتیجه‌ای که از برهان عاقل و معقول از طریق
علت و معلول به دست می‌آید»
- ۱۳۴ «برهان اتحاد عاقل و معقول از طریق قیام صدوری صورت‌های علمی به نفس» ۱۳۵
- «نقد و بررسی برهان اتحاد عاقل و معقول
از طریق قیام صدوری صورت‌های علمی به نفس»
- ۱۳۷ اتحاد عاقل و معقول پایه بسیاری از معارف الهی است
- ۱۳۸ نتیجه‌گیری بخش سوم:
- ۱۳۹ فهرست منابع و مأخذ
- ۱۴۱

فرآیند شناخت (اتحاد عاقل و معقول) از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا

چکیده:

در فرآیند شناخت سه عامل فاعل شناسا، معلوم بالذات یا همان صور علمیه و معلوم بالعرض یا محکی عنه صور علمیه تأثیر گذار هستند، رابطه فاعل شناسا با صور علمیه از موضوعاتی است که بین ابن سینا و ملاصدرا در تبیین آن اختلاف جدی وجود دارد، رابطه فاعل شناسا با صور علمیه را ملاصدرا گاهی از نوع علت و معلول و گاهی از نوع ماده و صورت دانسته، حال آنکه ابن سینا رابطه مذکور رابطه عرض و موضوع تلقی کرده است بر اساس هر یک از این تلقی‌ها می‌توان نوعی از اتحاد عاقل و معقول را نتیجه گرفت. چند و چون این نتیجه‌گیری و فراز و نشیبی که در رأی و نظر این دو فیلسوف بزرگ اسلامی وجود دارد ناشی از مبانی مختلف فلسفی این دو فیلسوف در حوزه اندیشه اسلامی می‌باشد که در این پایان نامه سعی بر این شده که کدام یک از دو تفسیر یاد شده از سازگاری درونی بهتری برخوردار بوده و پیامدهای هر کدام چیست؟

مروری بر بخش‌های پایان نامه

این پایان نامه دارای یک مقدمه و سه بخش می‌باشد. در مقدمه بیان می‌شود به اهمیت و بیان انتخاب موضوع، تعیین محل نزاع، بیان مسئله، روش تحقیق و سؤالات اصلی تحقیق اشاره شده است.

بخش اول کلیات که شامل دو قسمت می‌باشد.

فصل اول به ایضاح واژگان محوری پایان نامه علم، عاقل، معقول، فاعل شناسا، اتحاد و اقسام آن، عوامل مؤثر در فرایند شناخت اشاره شده است که بیانگر تفسیر ابن سینا از موضوع با برداشت ملاصدرا می‌باشد.

فصل دوم به پیشینه تاریخیچه نظریه اتحاد عاقل و معقول اشاره شده که ابتدا از دیدگاه فلاسفه یونان و سپس فلاسفه اسلامی و عارفان مسلمان بیان گردیده است.

بخش دوم که به مبانی فلسفی ابن سینا و تغایر آن با نظریه اتحاد عاقل و معقول بیان شده و همچنین مبانی فلسفی ملاصدرا پیرامون موضوع اتحاد عاقل و معقول از جمله اتحاد ماده و صورت، اتحاد نفس و بدن، حرکت جوهری و اتحاد حقیقه و رقیقه در علت معلول و ... که لازمه پذیرش این نظریه می‌باشد مطرح گردیده است.

بخش سوم ابتدا دلایل ابن سینا بر انکار اتحاد عاقل و معقول بیان شده و سپس دلایل ملاصدرا بر اثبات موضوع نقد و بررسی گردیده است و به صورت مبسوط بیان گردیده که تفسیر ملاصدرا از موضوع با دستگاه فلسفه او از سازگاری درونی بهتری برخوردار می‌باشد.

مقدمه بر کل پایان نامه

همانگونه که می‌دانیم فلاسفه اسلام، فلسفه را علم به حقایق تعریف کرده‌اند. بدان گونه که در نفس الامر وجود دارد به اندازه توان بشری یا به تعبیر دیگر فلسفه عبارت است از شناخت حقایق و نظم عینی جهان به گونه‌ای که نفس آدمی جهانی عقلی گردد.^۱

از این رو بیشتر فلاسفه برای حقایق دو نحوه وجود قائل شده‌اند که در هر دو نحوه وجود حقیقت ماهیت و ذات آنها یکی است. وجود ذهنی و وجود عینی لذا بیشتر مباحث معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی در مباحث وجود ذهنی مطرح شده که آن از ابتکارات فلاسفه اسلام می‌باشد و نخستین کسانی که بحث وجود ذهنی را مطرح کرده و باب مستقلی را به آن اختصاص داده‌اند یکی امام فخر رازی در کتاب المباحث المشرقیه^۲ و دیگری خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد^۳ است. هرچند که بوعلی در الاشارات و التنبیهات بیانی دارد که کاملاً با مبحث وجود ذهنی منطبق است:

«ادراک الشی هوأن تکون حقیقته متمثلة عند المدرک یشاهد هامایدرک، فاما أن تکون

الحقیقه نفس حقیقه الشیء الخارج عندالمدرک اذا ادرك...»

أو تکون مثال حقیقته مرتسما فی ذات المدرک غیر مباین له، و هوالباقی»^۴

و صدرا در اسفار بحث مبسوطی را به وجود ذهنی اختصاص داده است.^۱

^۱ اتحاد عاقل به معقول تألیف آیت‌الله حسن حسن زاده آملی، صفحه ۱۶

^۲ المباحث المشرقیه، قم، انتشارات بیدار، جلد ۱، الفصل السادس فی اثبات الوجود الذمّتی

^۳ کشف المواد فی الشرح تجرید الاعتقاد، المتصد الاول، المسئله الرابعه فی انقام الوجود الی ذهنی و الخارجی، تألیف

خواجه نصیر الدین طوسی، انتشارات شکوری، چاپ دوم، تاریخ انتشار محرم الحرام ۱۴۱۳، تیرماه ۷۱

^۴ الاشارات و التنبیهات نمط سوم فصل هفتم، صفحه ۲۳۷

صدرا و دیگر فیلسوفان مسلمان، مسائل معرفت‌شناسی را در ضمن مباحثی از قبیل وجود ذهنی معقولات ثانیه، کلی جزئی، اعتبارات ماهیت، عقل و معقول و علم النفس فلسفی مورد بحث قرار داده‌اند.

ماهیت و طبیعت علم، ارزش و اعتبار شناخت، رابطه علم با معلوم بالعرض در مبحث وجود ذهنی قرار گرفته است. در این مبحث فیلسوفان مسلمان اولاً و بالذات با اثبات قسمتی از هستی می‌پردازند که فقط «هستی ذهنی» می‌باشد، اما از آنجا که هستی ذهنی، دارای ویژگی مجرد آگاهی بخشی و حاکویت است علم آدمی به جهان خارج نیز محسوب می‌شود. از این رو رابطه هستی‌های ذهنی با معلومات بالعرض مهمترین مسئله‌ای است که این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در علم النفس فلسفی که درباره نفس و قوای آن و افعال نفسانی بحث می‌شود درباره علم و ادراک از آن رو که به جنبه فعلیت نفس مربوط می‌شود گفتگو می‌کنند. بخش دیگری از مباحث علم و ادراک در بحث مستقلی تحت عنوان عقل و معقول مطرح شده است.

ملاصدرا بیشترین بحث خود را در مسئله علم و ادراک در مبحث عقل و معقول آورده است، نظریه ابتکاری و با اهمیت او در خصوص رابطه فاعل شناسایی و معلوم بالذات تحت عنوان «اتحاد عاقل و معقول» بیان گردیده است.^۲

^۱ الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه جلد اول، المنهج الثالث فی الوجود الذهنی

^۲ ماهیت مکتب فلسفی ملاصدرا و تمایز آن از مکتبهای فلسفی دیگر خود نامه صدرا شماره دهم، تألیف بیوک عزیزاده

بیان انتخاب نظریه اتحاد عاقل و معقول

اهمیت این نظریه در فلسفه ملاصدرا افزون بر آنچه گفتیم از جهات دیگری نیز حائز اهمیت است. عوامل زیر را می‌توان از جمله دانست:

۱ پراکندگی و عدم انسجام موضوع در آثار ملاصدرا:

ملاصدرا اگر چه نظریه جدیدی در باب معرفت‌شناسی عرضه نمود و از این رهگذر به معضلات و پرسشهای فراروی فیلسوفان مسلمان در حوزه شناخت‌شناسی پاسخهای جدیدی داده است، با این وجود نظریه او در این باب بصورت منسجم و هماهنگ در آثارش بیان نشده است.

در بیشتر آثار ملاصدرا این بی‌نظمی به چشم می‌خورد به گونه‌ای که گاهی از فصلی خارج می‌شود و به فصل و نثری می‌پردازد بدون اینکه رابطه‌ای بین این دو فصل وجود داشته باشد.^۱

وقت و احیانا مطالبی که در گذشته بحث کرده می‌گوید «وسیجیء» و مطلبی که در آینده مورد بحث قرار خواهد داد می‌گوید «قدمضی» و گاهی ضمن وعده طرح مسائلی را می‌دهد که نه در طرح نخستین کتاب وجود دارد و نه نهایتا مورد بحث قرار می‌گیرد.

این مسئله احیانا ناشی از نقیصه دیگری است که متأسفانه در آثار ملاصدرا وجود دارد و

آن اخذ و اقتباسهای غیرمصرح در این آثار است.^۲

^۱ وقت و زمان در فلسفه اسلامی، مرتضی مطهری، جلد اول، صفحه ۴۸۷

^۲ مرتضی مطهری، حرکت و زمان، جلد اول

از طرفی تمام مطالب مربوط به یک فصل در همان فصل نیامده تا جائی که احیانا فصل پیش از آنکه نظر نهایی مؤلف ذکر شود به پایان می‌رسد و در عوض مطالب غیرلازم و غیرمرتبط با آن فصل در آن گنجانیده شده است.^۱

به عنوان مثال در کتاب شواهد الربوبیه در یک جا نظریه خودش را در باب علم خداوند به جزئیات بیان می‌کند. در مشهد اول شاهد سوم، اشراق پنجم ولی دلیل آنرا بعد از هفت اشراق یعنی در اشراق دوازدهم بیان می‌کند در حالی که ترتیب منطقی اقتضا می‌کرد که بعد از بیان مدعا دلیل آن را ارائه گردد.

۲ تلائم نظریه اتحاد عاقل و معقول با کل دستگاه فلسفی

ملاصدرا:

نظریه اتحاد عاقل و معقول از یک سو مبتنی بر اصول و مبادی است که نه تنها در فلسفه رایج پیش از ملاصدرا به اثبات نرسیده، بلکه برخی از آنها به صراحت مردود شمرده می‌شد، حرکت جوهری و ترکیب اتحاد ماده و صورت، رابطه نفس با صورت‌های ادراکی مانند رابطه ماده و صورت است از جمله این اصول هستند از سویی دیگر مسائلی همچون اصالت وجود، تشکیک حقیقت وجود، وحدت وجود نه تنها از ابتکارات فلسفی ملاصدرا به شمار می‌روند بلکه نظر به اینکه ابتناء کل دستگاه فلسفی او بر این اصول از مبادی فلسفی او محسوب می‌شوند.^۲

^۱ ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، صفحه ۶۳

^۲ حسن زاده آملی، دروس اتحاد عاقل و معقول، صفحه ۳۱

۳ تأسیس مبانی استوار فلسفی که لازمه آنها پذیرش اتحاد عاقل و معقول است:

بسیاری از ابتکارات فلسفی ملاصدرا و آراء خاص او در فلسفه همچون اتحاد ماده و صورت، اتحاد نفس و بدن، حرکت جوهری و اتحاد حقیقه و رقیقه در علت و معلول، مقدماتی هستند که می‌توان از آنها اتحاد عاقل و معقول را نتیجه گرفت.

۴ حل بسیاری از معضلات معرفت‌شناسی که نظریات پیشین از حل آنها عاجز مانده

بود

نظر به اینکه بر اساس نظریه رایج میان فیلسوفان مسلمان پیش از ملاصدرا رابطه نفس با صور ادراکی رابطه جوهر و عرض تلقی می‌شد و آنان رابطه علم را از مقوله کیف می‌دانستند که در نفس حلول کرده است و از سوی دیگر رابطه صور ادراکی با مدرکات خارجی اتحاد ماهوی می‌دانستند. این اشکال پیش می‌آید که چگونه جوهر و عرض در صور ادراک جمع شده است، اشکال دیگر این بود که «آیا محل ادراکات ما» در بدن است و هر ادراکی محلی در بدن دارد و یا محل ادراکات «نفس» می‌باشد، اگر ادراکات بدن است پس این اعراض نفسانی نیست و اگر ادراکات نفس می‌باشد چگونه نفس در عین بساطت محل عوارض متکثر عرضیه واقع شده است.

این اشکالات و نظایر آن با حفظ مبانی آنها قابل جمع نیست. از این روست که ملاصدرا در مبحث اتحاد عاقل و معقول پس از اشاره به صعوبت مسئله به حل آن پرداخته و معتقد است که در آثار پیشینیان ابن سینا و پیروان او و شیخ اشراق نبوده و از خداوند خواستم تا

دشواری مسئله برایم آسان گردد. لذا رحمت الهی شامل حالم شد و این فضل و بخشش از طرف خداوند می‌داند.^۱

۵ سازگاری درونی نظریه اتحاد عاقل و معقول:

نظریه اتحاد عاقل و معقول، نزدیکترین تماس را با سه نظریه فلسفی در خصوص توجیه اتحاد، تفسیر فاعل شناسایی و تبیین حقیقت علم دارد. ملاصدرا پیش از عرضه اتحاد عاقل و معقول در این مقولات دیدگاه‌های تازه و البته متفاوت از نظریات رایج پیش از خود اتخاذ کرده بود سازگاری این دیدگاه‌ها با همدیگر و با نظریه اتحاد عاقل و معقول اهمیت آن دو چندان کرده است.^۲

۶ رفع اشکالات مخالفان نظریه اتحاد عاقل و معقول:

مخالفت شدید شیخ الرئیس ابن سینا با این نظریه و نکته‌گیری‌های متعدد او نسبت به قائلان نظریه اتحاد عاقل و معقول که غالباً از نوع استهزاء نسبت به آنها خالی نبود^۳ و نقد

^۱ اسفار، جلد یکم، ۳۱۲-۳۱۳

^۲ اسفار، جلد هشتم

^۳ الشیخ ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، الاشارات التنبیها

موفقیت‌آمیز مطالب شیخ در این خصوص و رفع اشکالات او توسط ملاصدرا اهمیت و شهرت مبحث اتحاد عاقل و معقول را افزون کرده است.^۱

۷ سازگاری نظریه اتحاد عاقل و معقول با نظریه وجود ذهنی هماهنگی نظریه اتحاد عاقل و معقول و نظریه وجود ذهنی به گونه‌ای است که مکمل یکدیگر بوده و مجموعاً نظریه روشنی را در معرفت‌شناسی بوجود می‌آورند.

حکیمان مسلمان در مبحث وجود ذهنی رابطه صور ذهنی را با محکی عنه آنها مورد بررسی قرار داده‌اند^۲ و در اینکه رابطه اتحاد ماهوی است اتفاق نظر دارند. اما در مبحث اتحاد عاقل و معقول رابطه صور با فاعل شناسایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و قائلان به نظریه اخیر این رابطه را به شرحی که خواهیم آورد اتحاد وجودی می‌دانند.^۳

۸ اقامه دلایل متعدد جهت اثبات نظریه اتحاد عاقل و معقول:

اصل نظریه اتحاد عاقل و معقول از پیشینه دیرین برخوردار است. نقش ملاصدرا در احیای این نظریه ابعاد مختلفی دارد: از جمله آنها اقامه دلایل متعدد برای اثبات آن است. اهمیت این دلایل در ربط و نسبت روشن منطقی آنها با مبانی نظریه است در مباحث فلسفی اگر مدعا از حیث مقدمات و پیش فرضها و لوازم آنها بطور دقیق مرزبندی شود و

^۱ صدرالدین محمد شیرازی، اسفار، جلد سوم

^۲ ملاحادی سبزواری، شرح منظومه، نه‌ایة‌الحکمة، علامه طباطبائی

^۳ اسفار، جلد سوم

حدود و ثغور آنها مشخص گردد اقامه برهان بر اثبات آن کار آسانی خواهد بود. این چیزی است که در فلسفه ملاصدرا نسبت به نظریه اتحاد عاقل و معقول جامه تحقق پوشیده است. گفتنی است که نظریه اتحاد عاقل و معقول در کنار همه محسناتی که برشمردیم از ضعف انسجام صوری در مقام تقریر و بیان رنج می‌برد، در تحقیق حاضر تلاش می‌کنیم که این ضعف را برطرف سازیم.

تعیین محل نزاع

ابن سینا در کتابهای شفا^۱ و اشارات^۲ از برخی فلاسفه یونان نقل کرده هنگامی که موجود عاقلی چیزی را تعقل کند با آن متحد می‌شود.

او از «فرفورئوس» نقل نموده که رساله‌ای در این زمینه نگاشته است اما خود وی به باد انتقاد می‌گیرد و آنرا امری محال می‌شمرد.

از سوی دیگر صدرالمألهین در اسفار و دیگر کتابهایش آنرا تأیید کرده و بر صحت این نظریه پافشاری می‌کند.^۳ و آنرا نسبت به همه اقسام علم حتی ادراک حسی نیز توسعه می‌دهد.

^۱ طبیعات شفا، فن ۶، مقاله ۵، فصل ۶

^۲ اشارات، نمط ۷

^۳ اسفار، جلد سوم، فصل هفتم، جلد ششم، موقف سوم، فصل اول سواهد الربوبیه، مشهد اول، شاهد سوم، اشراق

نهم، شرح رساله المشاعر به تصحیح سیدجلال الدین آشتیان، مشعر هفتم از منهج اول.

این اختلاف عجیب بین این دو فیلسوف عظیم طبیعی است که انسان را نسبت به آن حساس نماید و علاقه او را به حل مسئله مزبور و داوری بین طرفین جلب می‌نماید. لذا قبل از پرداختن به تعیین نزاع بین این دو فیلسوف بایستی به دو مقدمه اشاره نمود:

الف) طبیعت و ماهیت علم

فلاسفه‌ای اسلامی در باب مقولات و برخی دیگر در باب وجود ذهنی متعرض طبیعت علم و ادراک شده‌اند که مطابق جمع‌بندی حاج ملاهادی سبزواری پنج قول می‌باشد.^۱ قول مشهور میان فلاسفه قبل از ملاصدرا آن بود که علم کیف نفسانی است. «و ذلك عند ما بین ان العلم من کیفیات النفسانیه داخل فی مقوله کیف بالذات و فی مقوله المضاف بالعرض»^۲

ملاصدرا معتقد است که این قول ابن سینا از علم با اتحاد عاقل و معقول سازگاری ندارد، چرا که بر اساس آن نظریه رابطه علم با نفس رابطه عرض و موضوع خواهد بود، نه رابطه ماده و صورت یا علت و معلول لذا ملاصدرا نظریه رایج را نپذیرفت و علم را خارج از مقولات و از سنخ وجود دانست و معتقد است همانطور که وجود هم بر حقیقت خارج اطلاق می‌شود و هم بر مفهوم موجودیت که مفهومی مصدری و انتزاعی و ذهنی می‌باشد، علم نیز هم بر حقیقت حضور که یک نحو حقیقت خارجی است اطلاق می‌شود و هم بر انکشاف و ظهور که کلمات عالم و معلوم از آن مشتق می‌شود.

^۱ شرح منظومه بخش فلسفه «غرر فی الوجود الذمّن» از صفحه ۲۷ الی ۲۸

^۲ اسفار، جلد ۳